

به نام خداوند بخشایشگر مهربان

## بیا و ببین

دوستان بر من و نوشته های پیشین ام خرده گرفته و پرسیده اند:

آیا درست است که در هنگامه کنونی که همگان در گرداب گرفتاری ها دست و پا می زنند و «نیرومندترین اندیشه ها» درگشودن بند از پای گرفتاران و یافتن درمان برای دردهای مردمان فرومانده اند، خواستار آن شویم که همچون کبک سر در برف فرو برده و با روی آوردن به رفتارهای کودکانه دریای رنج و اندوه خود را به فراموشی بسپاریم؟

این خرده گیری ها مرا نمی رنجاند، چون نشانگر آن است که شما یارانِ دلسوز و دل سوخته، با باریک بینی گفته های پیشین مرا بررسی نموده و در راه شناخت کاستی های آن خود را به سختی افکنده اید. پس چرا از شما برنجم، از ته دل سپاسگزارتان هم هستم.

باید بگویم آن چه تاکنون پیشکش کرده ام تنها رویه و پوسته ای است که در درون آن گفتنی های بسیار نهفته است، و اگر خدای بزرگ به این بنده کمترین زمان و توان ارزانی دارد تا آن جا که شدنی باشد با دل بستگی بیش از پیش کمر به نگارش آن ها خواهم بست.

\*\*\*

باید پرسید دارندگان آن «نیرومندترین اندیشه ها» که بوده اند و برای مردمان چه کرده اند؟

اگر سخن از پیامبران و مردان خداست این بزرگواران که تنها در بازه هایی کوتاه و انگشت شمار لگام کارها را در دست داشته اند و در پیمودن راه خود همواره با بیدادگری، آشوب، و پیمان شکنی روبرو بوده اند. در این راه از جان گرنامه‌ی شان گذشته اند و تلخی دگرگون شدنِ ناروای آموزه ها و گفته های گهربارشان را آزموده اند.

و اگر نگاه به «فرزانه نما» یانی داریم که در درازنای گذشته آدمی به گزاف برجای شایستگان نشسته و برای فراهم آوردن نام یا نان برای خود یا سرورانشان، ناروا را روا نشان داده، زورگویان و ددمنشان را بر اورنگ فرمانروایی نشانده اند، و یا در برابر جهانخواری بهره کشان خموش مانده اند، آگاه باشیم که آنان خود دشواری آفرین بوده اند و نه گره گشا و ما این «گرداب گرفتاری ها» را از ایشان داریم. این گرداب جامه ای است که آن ها بر اندام ما دوخته اند و «آش دهان سوز»ی است که برای ما بار گذاشته اند. کم و بیش هرچه می کشیم از دست ایشان می کشیم. و از ستمی که بر ما و پیشینیانمان روا داشته اند هرچه بگوییم کم گفته ایم.

### خواهران و برادران گرامی

آیا زمان آن فرا نرسیده که از «فرهیخته نما» یانِ سودجو، خودستا، ندانم کار، و سردرگم دل برگنیم و دست در دست همه «سوته دلان»، با امید به پشتیبانی ایزدی و با پیروی از فرستادگان پاکش، در پی یافتن راهی راست و درست برای نیکبختی همگان در دو سرای باشیم؟

هنگامی که از بازگشت به کودکی سخن می گوئیم نه آن است که دیگران را به سرگرم شدن با بازیچه ها فرا می خوانیم، چه در زندگی ما بزرگسالان هم بازیچه و سرگرمی کم نیست. این «فراخوان»ی است به سوی آن چه که در پس رفتارهای دلنشین کودکان تا کنون از چشم ما پنهان مانده است.

رفتارهای کودکان «همیشه» اند. این رفتارها از یک سرشت پاک انسانی سرچشمه می گیرند، سرشتی که پروردگار مهربان هیچ کس را از آن بی بهره نساخته است. این رفتارها نشان از چشمه ساری دارند که می توان با آب آن پیاله پرسش ها را پر کرد و با آن آتش سرگستگی ها و بیچارگی ها را فرونشاند و همه درهای بسته به روی نیکبختی و بهروزی راستین آدمی را گشود.

این بازی با واژه های شورانگیز نیست. باورهای خودساخته نگارنده هم نیست. این چشمه سار همان جایی است که پیامبران و همه آنانی که به پیشگاه خداوند بار یافته اند ما را با کردار و گفتار خویش به سوی آن خوانده اند و این بنده کمترین تنها بازگوکننده ای ناتوان و گند زبان است که می کوشد در راستای پیمانی که با خدای خود بسته است نگاه ها را بدانسوی بخواند.

روی آوردن به رفتار کودکانه، تنها کوششی برای به فراموشی سپردن تلخکامی‌ها نیست. بیش از آن که روی آوری به «فراموشی» باشد، روی آوردن به «یادآوری» است.

باورش دشوار است؟

گر به راستی جستجوگری، به خواست خدا، بیا و ببین!